

الگوی فرهنگ مطلوب دانشجویی از نگاه قرآن و حدیث

* محسن حسونندی

** مهدی اکبرنژاد

*** فاطمه دالوند

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۹/۲۳

تاریخ تأیید مقاله: ۹۲/۱۱/۱۹

چکیده

در اسلام به طرق مختلف بر تحصیل علم و طلب دانش تأکید شده است. اما با این حال، علم‌آموزی و دانشجویی، خود ذاتاً هدف نیست، بلکه وسیله‌ای است جهت نیل به مقاصد والای الهی و انسانی؛ از همین رو، در تعلیم اسلامی برای متعلم و دانشجو در طریق کسب علم، اصول و موازینی مطرح شده است که از آنها با عنوان آداب تعلم تعبیر می‌شود. آداب تعلم یا همان فرهنگ دانشجویی، آداب و شرایط مطلوب در زمینه تحصیل علم و دانش است که باعث تقدس و ارزشمندی کار متعلم می‌شود. این مقاله بر آن است که اخلاق و فرهنگ دانشجویی اسلام را از نگاه آیات و روایات بررسی کرده، الگوی فرهنگ مطلوب دانشجویی را از همین دریچه ترسیم کند.

واژگان کلیدی: تحصیل علم، دانش، دانشجو، فرهنگ دانشجویی.

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث. Email: Hasanvafa88@yahoo.com

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام. Email: m_Akbarnezhaad@yahoo.com

*** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث. Email: Fa.daly@yahoo.com

مقدمه

موفقیت در هر کاری، مرهون پایبندی به مجموعه‌ای از آداب و اعمال مربوط به آن کار است. دانشجویی و دانش‌پژوهی نیز از این قاعده مستثنا نیست. اهمیت این موضوع تا آنجاست که در اکثر کتابهای تربیتی فصلی تحت عنوان آیین دانشجویی یا آداب متعلمان گنجانده شده است.

در آیات قرآنی و همچنین روایات معصومین (ع) با عبارات مختلفی به علم و دانش تأکید شده است؛ چرا که «هدف اسلام و جزء خواسته‌های اسلام، عالم بودن امت اسلامی است» (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۳) و بر همین اساس، برترین گرامیداشت‌ها در اسلام، مربوط به علم و دانایی است؛ تا جایی که از طلب علم به عنوان واجبی از واجبات دینی تعبیر شده است: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُغَاةَ الْعِلْمِ؛ طلب علم بر هر مسلمان واجب است. آگاه باشید که خدا جویندگان علم و دانش را دوست می‌دارد» (کلینی، ۱۳۷۹: ج ۱: ۸۲) در کنار تأکید بر اهمیت و جایگاه علم و دانش در اسلام، همواره آداب و اخلاق دانشجویی و وظایف معلمان و متعلمان نیز مورد توجه قرار گرفته است. طلاب و دانشجویان نیز به مقتضای علم و دانش و داشتن روحیه دانشجویی و دانش‌پژوهی، از ارج و مقام والایی برخوردارند.

پیامبر اکرم (ص) در مورد جایگاه رفیع دانشجویان واقعی می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عُقْبَاءِ اللَّهِ مِنَ النَّارِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى الْمُتَعَلِّمِينَ» (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۰۰)؛ هر کس دوست دارد به آزادشدگان از آتش بنگرد، به دانشجویان نگاه کند.

اما آنچه مهم به نظر می‌رسد اینک، دانستن به تنهایی ارزش و اعتباری ندارد؛ بلکه علم و دانش بایستی در مسیر درست خود قرار گرفته، به معیارهای خاص متکی باشد. بنابر این، در رابطه با موضوع دانشجویی، آنچه در فرهنگ اسلامی اهمیت بسزایی دارد، پایبندی به اصول و مبانی و اخلاق علم‌آموزی است.

دانشجو در دوران دانشجویی، وظایف متعددی را بر عهده دارد؛ اما از آنجا که مهم‌ترین وظیفه او طلب علم و تحصیل دانش است، در این پژوهش الگوی (مفهومی و نه مصداقی) فرهنگ مطلوب دانشجویی را از بُعد علمی آن؛ یعنی فرهنگ خاص دانشجویی از آن جهت که دانشجویست و وظیفه او کسب علم، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.



فرهنگ

فرهنگ در معنای لغوی آن عبارت است از: «آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت و امور مربوط به مدارس و آموزشگاه‌ها» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳۹: ۲۷۷) و «در معانی مختلفی چون: دانش و فرزاندگی، عقل سلیم، رأی و تدبیر، تیزهوشی و خیرگی، حرفه، فن و هنر، کتاب لغت و ... به کار می‌رود» (آشوری، بی‌تا: ۳۸)

فرهنگ در معنای اصطلاحی، «مجموعه‌ای از آداب و رسوم و سنن، افکار، آرزوها و گرایش‌های موجود در یک جامعه می‌باشد که دارای ساخت معنوی بوده و ساخت مادی موجود را در جامعه، تمدن می‌گویند» (حسینی‌نسب، ۱۳۷۵: ۴۳۳)

در مجله نامه فرهنگ چنین آمده است: «در تازه‌ترین تعریف، آن را معرفت مشترک بشری یا ویژگی‌هایی چون: اکتسابی بودن، تحول‌پذیری و قابل یادگیری خوانده‌اند که با توجه به حوزه‌های گوناگون آن، دارای مؤلفه‌ها و عناصر مهمی چون باورها (جهان بینی)، ارزش‌ها، ایدئولوژی، هنجارها، نمادها، تکنولوژی مادی و اجتماعی می‌باشد» (ایتزن، ۱۳۷۶: ۱۵)

در معنای متعارف، واژه فرهنگ بیانگر روش و سیره و شیوه‌های رفتاری معینی است که افراد جامعه در زندگی خود اتخاذ می‌کنند و به عبارتی؛ بیانگر سبک و روش زندگی خاصی است. این مفهوم، مفهومی عام و مختص انسان بوده و در بر دارنده همه رفتارهای او در عرصه‌های مختلف می‌شود. بر همین اساس، زمانی که گفته می‌شود فرهنگ دانشجویی، در حقیقت آداب و اخلاق خاص و سبک رفتاری دانشجو در مقطع دانشجویی و در عرصه کسب علم و دانش پژوهی مد نظر است.

دانشجو

در تعریف لغوی دانشجو آمده است: «جوینده علم و دانش، جویای دانش، طالب علم و آنکه در دانشگاه تحصیل کند» (عمید، ۱۳۶۴، ج ۱: ۹۲۱)

دانشجو مرکز ثقل و زیربنای اصلی دانشگاه به شمار می‌آید که در جستجوی دانش در سطوح بالاست. در تعریفی عام از دانشجو آمده است که: «دانشجو کسی است که خود در جستجوی دانش است و برای او جز روش آموزش فعال آروشی که فراگیر به واسطه آن یادگیری بیشتری خواهد داشت، مناسب نیست» (حسینی‌زاده، ۱۳۸۰، ج ۴: ۴۵)؛ بدین معنا که روش دانش پژوهی دانشجو با سایر افراد متفاوت بوده و در این زمینه، برای





آموزش دانشجو از شیوه‌های فعال‌تری استفاده شده و میزان یادگیری دانشجو به واسطه آن افزایش یافته و طول مدت ماندگاری مطالب فراگرفته شده افزایش خواهد یافت.

فرهنگ دانشجویی

جامعه اسلامی در همه امور خود از تعالیم والای اسلامی الهام می‌پذیرد و هر صنف و گروه آن - چنانکه در تعریف فرهنگ آمد - از فرهنگ خاص خود برخوردار است؛ از جمله در مقام دانشجویی از فرهنگ دانشجویی اسلامی تبعیت می‌کند. در فرهنگ اسلامی، رفتار و منش علمی طالب علم از مختصات و ویژگی‌های خاصی برخوردار است و در صورتی که دانشجو متصف و متخلق به این آداب و ویژگی‌ها باشد، می‌توان تحت عنوان دانشجویی که از فرهنگ مطلوب دانشجویی برخوردار است، از او یاد کرد.

فرهنگ دانشجویی اسلام دارای مختصات و شاخصه‌های متنوعی است که تحت عنوان شاخصه‌های اخلاقی می‌توان از آنها یاد کرد. از جمله شاخصه‌های فرهنگ دانشجویی در اسلام می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد که هر کدام از آنها را نیز می‌توان در فصلهای مجزا مورد بحث و بررسی قرار داد که این امر از موضوع این نوشتار خارج است.

۱. خلوص نیت

در تحصیل علم و دانش آنچه بسیار مهم می‌نماید، انگیزه و نیت دانشجوی است. دانشجو بایستی در مسیر کسب علم، هدفی الهی و مطابق با موازین انسانی را در پیش گرفته، هیچ‌گونه هدف مادی و کم‌ارزش را با آن قرین نسازد؛ «یعنی نباید اغراض و هدف‌های دنیایی و نادرست و کم‌ارزش - که موجب ذلت و خواری و فرومایگی آنها نزد خدا و باعث خشم او و از دست دادن سعادت و نیکبختی جاوید سرای پسین و محرومیت از اجر و پاداش دائمی می‌شود - مد نظر گیرد» (حجتی، ۱۳۸۷: ۱۲۱)

در قرآن کریم بر لزوم نیت پاک در انجام اعمال و افعال اشاره شده و با الفاظی همچون: «ابتغاء وجه الله» (بقره: ۲۷۲)، «ابتغاء مرضات الله» (نساء: ۱۱۴)، «ابتغاء وجه ربهم» (رعد: ۱۲) و مواردی از این قبیل بر لزوم و اهمیت این موضوع تأکید شده است.

«دانشجو بایستی از همان ابتدای دانشجویی خود، در پاکسازی نیتش بکوشد و همواره تلاش کند تا ارزش علم‌آموزی خود را پایین نیاورد. تعلیم و تعلم با این ارج و اهمیت، نباید به انگیزه‌های پستی چون: رسیدن به مقامات دنیوی و کسب شهرت

اجتماعی و جلب نظر مردم و احترام آنان و کسب مال و شغل و امثال آن آورده شود».
(شریفی، ۱۳۸۹: ۴۶)

در حدیث آمده است که هر کس انگیزه و هدف خود را از کسب دانش، فخر فروشی و مباحات بر دانشمندان، جدال با نابخردان و کم خردان، جلب توجه مردم نسبت به خود و کسب مال و ثروت قرار دهد، زمینه ورود خود را در آتش جهنم فراهم آورده است: «مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا لِيَمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ يُبَاهِيَ بِهِ الْعُلَمَاءَ أَوْ يُثْقِلَ بُوْجُوهِ النَّاسِ إِلَيْهِ فَهُوَ فِي النَّارِ» (شیخ صدوق، ۱۴۰۳: ۱۸۰)؛ علمی که در خدمت تحصیل کمال نبوده و به قصد مباحات و جدال و کشمکش و تظاهر و کسب مال و ثروت باشد نه تنها سودمند نخواهد بود، بلکه موجبات آسیب و گمراهی را نیز به دنبال خواهد داشت.

۲. پرهیز از غرور علمی

غرور علمی یکی از آفت‌هایی است که ممکن است شخص متعلم را گرفتار خود سازد. «این آفت معلول اندکی دانش است؛ زیرا اگر انسان در علم غوطه‌ور شود و از دانشی عمیق برخوردار باشد، به جایی می‌رسد که تمام معلومات خود را در برابر مجهولات خود، همانند قطره‌ای در برابر دریا می‌بیند. چنین فردی هرگز به علمش مغرور نمی‌شود» (مرتضوی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۵)

علمی که به دور از ملاک و معیارهای اخلاقی بوده و اسیر آفت‌هایی همچون غرور شود، نه تنها مایه هدایت نخواهد بود، بلکه خود نیز حجاب اکبری می‌شود در برابر هدایت و ارشاد آدمی و عامل مرگ و نابودی عالمان در بند کبر و غرور: «رُبَّ عَالِمٍ قَتَلَهُ عِلْمُهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۷۵)؛ بسا دانشمندی که علمش او را به قتل رسانده است. «خطرناک‌ترین مرحله این غرور، عرض اندام در برابر احکام الهی و آموزه‌های وحیانی است. شخصی که دچار این غرور باشد، بدون برخورداری از توانمندی و صلاحیت لازم، موضوعات دینی را با خرد ناقص و دانش اندک خود به چالش می‌کشد و بدون رجوع به کارشناسان دین، یافته‌ها و بافته‌های ذهنی خود را صحیح پنداشته و در میان دیگران می‌پراکند» (کلانتری ارسنجانی، ۱۳۸۳: ۶۳)

در آیاتی از قرآن کریم نیز به این امر اشاره شده و رد روشن‌ترین حقایق و انکار حق و ابا از پذیرفتن آن را از جمله نتایج غرور علمی بیان می‌کند: «فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (غافر: ۸۳)؛ و چون پیامبرانشان

دلایل آشکار برایشان آوردند، به آن چیز [مختصری] از دانش که نزدشان بود خرسند شدند و [سرانجام] آنچه به ریشخند می‌گرفتند، آنان را فروگرفت.

۳. انضباط و برنامه‌ریزی علمی

انسان دارای عمری کوتاه و فرصتی محدود است و تنها بخشی از این فرصت را می‌تواند به کسب علم و دانش اختصاص دهد. بنابر این، طالب علم بایستی در راه کسب دانش، نظم و برنامه‌ریزی را سرلوحه کار خود قرار داده، وقت خویش را با زمان‌بندی و برنامه‌ریزی تنظیم کند. برنامه‌ریزی موجب تنظیم و ازدیاد فرصت‌های علمی شده، باعث می‌شود دانشجویان از این اوقات به بهترین وجه استفاده کنند. «نظم، انضباط و برنامه‌ریزی، نخستین ضرورت عرصه‌های اجتماعی و به ویژه شرط موفقیت در عرصه دانش و پژوهش است» (رضوان‌طلب، ۱۳۸۶: ۲).

در امر برنامه‌ریزی برای تحصیل علم، آنچه بیش از هر چیز دیگر مهم به نظر می‌رسد، رعایت اولویت‌هاست. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «الْعُمْرُ أَقْصَرُ مِنْ أَنْ تُعَلَّمَ كُلَّ مَا يُحْسِنُ بِكَ عِلْمُهُ فَتَعَلَّمَ الْأَهَمَّ فَالْأَهَمَّ» (معتزلی، ۱۴۰۴، ج ۲۰: ۲۶۲)؛ عمر کوتاه‌تر از آن است که هر آنچه دانستنش برای تو نیکو باشد را بیاموزی؛ پس به ترتیب اهمیت بیاموز.

برنامه‌ریزی و تدبیر نه تنها در امر فراگیری دانش، بلکه در هر کاری باعث ثمربخشی آن خواهد شد. پیامبر اکرم (ص) تدبیر و برنامه‌ریزی در انجام کارها را سفارش کرده، می‌فرمایند: «إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَاعْمَلْ بِعِلْمٍ وَعَقْلٍ وَإِيَّاكَ أَنْ تَعْمَلَ عَمَلًا بِغَيْرِ تَدْبِيرٍ وَعِلْمٍ فَإِنَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ: وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي تَقَضَّتْ عَنْ لَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۱۱۰)؛ هر کاری را با آگاهی و اندیشه آغاز کن و بپرهیز از آنکه بدون برنامه‌ریزی و آگاهی به کاری بپرداز؛ چرا که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: از کسانی نباشید که رشته خود را با دست خود پنبه می‌کنند.

پیامبر (ص) نظم و برنامه‌ریزی در امور روزانه زندگی فردی و اجتماعی را اساس کار خود قرار داده، اوقات خود را با برنامه‌ریزی خاصی به کارهای مختلف اختصاص می‌دادند: «امام حسین (ع) گفت: از پدرم از وضع داخلی رسول خدا (ص) سؤال کردم، پس فرمود: به منزل رفتنش به اختیار خود بود و چون به منزل تشریف می‌برد، اوقات خویش را به سه جزء قسمت می‌کرد؛ قسمتی را برای عبادت خدا و قسمتی برای اهل بیت خود و جزیی را به خود اختصاص می‌داد. آن جزیی را که مربوط به خودش بود، به صادر کردن دستورهای لازم به خواص اصحاب و تکلیف کردن آنان برای رسیدگی به کارهای عمومی



مردم صرف می‌کرد و از آن قسمت چیزی را به کارهای شخصی خود اختصاص نمی‌داد.»
(طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۴)

بر همین اساس، شخص دانشجو و فراگیر با الگو قرار دادن فرازهای پیش گفته از پیشوایان دینی، می‌تواند با انجام برنامه‌ریزی دقیق در امر دانشجویی، به مقید ساختن روند علم‌آموزی خود کمک کرده و حداکثر بهره‌وری را از زمان خود داشته باشد.

۴. استمرار و تداوم در کسب علم

یکی از ویژگی‌های دانشجو و دانش‌پژوه در فرهنگ دانشجویی اسلام، تداوم دانش‌آموزی و استمرار در مسیر حرکت علمی خویش است: «لَا بُدَّ لَطَالِبِ الْعِلْمِ مِنَ الْجِدِّ وَالْمُواظَبَةِ وَالْمَلَازِمَةِ؛ جویای دانش باید در این راه جدیت و مواظبت و پیگیری و مداومت داشته باشد» (طوسی، ۱۳۸۵: ۲۶). در فرهنگ اسلامی هیچ مقطعی از زمان، از دوران دانشجویی استثنا نشده و برای علم و دانش، انتهای تعریف نشده است.

قرآن کریم در باب محدود بودن علم آدمی و بیان بی‌نهایت بودن دانش می‌فرماید: «وَمَا أُوتِيتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء: ۸۵)؛ و به شما از دانش، جز اندکی داده نشده است. همچنین در مقام تعلیم دعا به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه: ۱۱۴)؛ و بگو: پروردگارا، بر دانشم بیفزای.

در برخی روایات، علم و حکمت به عنوان گمشدهٔ انسان معرفی شده که به صورت مستمر به دنبال تحصیل آن است: «ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ الْعِلْمُ كُلَّمَا قَيَّدَ حَدِيثًا طَلَبَ إِلَيْهِ الْآخِرَ» (باینده، ۱۳۸۲: ۵۵۳)؛ دانش، گمشده مؤمن است. هر گاه حدیثی را در بند کشد (بیاموزد)، حدیثی دیگر خواهد.

یا اینکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «اطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ» (همان: ۲۱۸). بیانگر این است که در فرهنگ اسلامی، هیچ گونه محدودیت زمانی و مکانی برای دانشجویی دیده نمی‌شود. کسی که به دنبال دانایی و علم‌آموزی است، در هیچ شرایطی نباید خود را فارغ از این مهم بداند. حضرت علی (ع) بر اصل تداوم در تحصیل علم تأکید کرده و رسیدن به کنه موضوع مورد مطالعه را در گرو تداوم درس و مطالعه معرفی می‌فرمایند: «لَنْ يُحْرِزَ الْعِلْمَ إِلَّا مَنْ يُطِيلُ دَرَسَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۵۷)؛ هرگز به حد کمال علمی نمی‌رسد مگر کسی که در طول مدت به کار آن علم بپردازد و ادامهٔ فکر و نظر و بحث در آن علم دهد.

۵. عمل به علم

در قرآن کریم و روایات معصومین (ع)، ارزش والایی برای علم و دانش در نظر گرفته شده است؛ اما اگر به آن عمل نشود، به عنوان خسران و آفتی برای صاحب آن معرفی شده است: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (جمعه: ۵)؛ مَثَل کسانی که [عمل به آیات خدا را به آنان بار شد] و بدان مکلف شدند [آن گاه آن را به کار نیستند، همچون مَثَل خری است که کتابهایی را بر پشت می کشد. [و] چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند. و خدا مردم ستمگر را راه نمی نماید.

این آیه مرز بین انسان و حیوان را عمل بر طبق علم و به کار بستن علم می داند. عالمی که به علم خود عمل نکند، بسان چهارپایی است که بار کتاب را حمل کرده و از آن چیزی نمی فهمد. «حیات بشر آمیزه‌ای از علم و عمل است و نیز آگاهی و دانش او خطوط فعالیتش را ترسیم و به کار و کوشش او کمک می کند. ناهماهنگی میان دانش و عمل انسان، او را از حیات و هدایت انسانی بی بهره می کند؛ زیرا هدایت بشر از اندیشه‌های علمی و انگیزه‌های عملی ساخته می شود و کسی زنده است که اندیشه صائب و انگیزه صالح دارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۱۷).

در دین اسلام، نه تنها به تحصیل علم ترغیب و تشویق شده، بلکه به عمل بدان نیز تأکید شده است و سودمندی علم را در گرو عمل به آن می داند: «تَعَلَّمُوا مَا شِئْتُمْ أَنْ تَعْمَلُوا فَلَنْ يَنْفَعَكُمُ اللَّهُ بِالْعِلْمِ حَتَّى تَعْمَلُوا بِهِ لِأَنَّ الْعُلَمَاءَ هِمَّتُهُمُ الرَّعَايَةُ وَالسُّفَهَاءُ هِمَّتُهُمُ الرَّوَايَةُ» (حلی، ۱۴۰۷: ۷۶)؛ هر چه می خواهید دانش بیاموزید ولی خداوند از علم و دانش شما سودی عایدتان نخواهد کرد، مگر اینکه به آن علم عمل کرده باشید؛ زیرا کوشش و هم دانشمندان بر عمل است ولی همت بی خردان بر روایت.

علم دعوت به عمل می کند و چنانچه به آن عمل نشود، زایل خواهد شد: «الْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ فَمَنْ عِلِمَ عَمِلَ وَالْعِلْمُ يَهْتِفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَإِلَّا ارْتَحَلَ عَنْهُ» (نهج البلاغه: حکمت ۳۶۶)؛ علم و عمل پیوندی نزدیک دارند و کسی که دانست باید به آن عمل کند؛ چرا که علم، عمل را فرامی خواند، اگر پاسخش داد، می ماند وگرنه کوچ می کند.

عکس آن نیز صادق است؛ بدین معنا که عمل به علم، موجب ازدیاد و فزونی در آن می شود: «مَنْ عَمَلَ بِمَا يَعْلَمُ وَرَّثَهُ اللَّهُ عِلْمًا مَا لَمْ يَعْلَمْ» (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۷)؛ کسی که عمل کند به آنچه علم به آن دارد، خدای تعالی او را به آنچه علم ندارد عالم می کند.



۶. تواضع و فروتنی در برابر استاد

در فرهنگ دانشجویی اسلام، حفظ حرمت و کرامت استاد و معلم بر دانشجو و شاگرد، فرض است. شاید بتوان گفت یکی از دلایل اصلی آن هم ارزش و اهمیت علم و دانش است که به تبع آن، معلم و طالب علم نیز جایگاه خاص خود را می‌یابند. امام جعفر صادق (ع) در باب احترام و بزرگداشت مقام معلم و استاد می‌فرماید: «تَوَاضَعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۲۷۶)؛ نسبت به کسی که از او دانش می‌آموزید، فروتنی کنید.

در همین زمینه امام سجاد (ع) می‌فرماید: «حَقَّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ التَّعْظِيمُ لَهُ وَ التَّوْفِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَ حَسْنُ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ وَ الْإِقْبَالُ عَلَيْهِ وَ أَنْ لَا تَرْفَعَ عَلَيْهِ صَوْتَكَ وَ لَا تُجِيبَ أَحَدًا يَسْأَلُهُ عَنْ شَيْءٍ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الَّذِي يُجِيبُ وَ لَا تُحَدِّثَ فِي مَجْلِسِهِ أَحَدًا وَ لَا تَغْتَابَ عِنْدَهُ أَحَدًا...» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲: ۶۱۸)؛ حق راهبر علمی تو این است که او را بزرگ داشته و احترام مجلسش را نگاه داری و به نیکویی به سخنانش گوش فرا دهی و به او رو آوری و در نزد او با صدای بلند سخن نگویی و اگر کسی از او سؤالی پرسید، در جواب دادن به آن بر او پیشی نگیری و در محضر او با دیگران سخن نگویی و در نزد او از دیگران غیبت نکنی و ...

۷. پرسش و پرسشگری

پرسشگری از ویژگی‌های طالب علم و دانشجو در فرهنگ اسلامی است. پیامبر اکرم (ص) در مقام اهمیت و جایگاه پرسش و سؤال پرسیدن می‌فرماید: «الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مِفْتَاحُهُ السُّؤَالُ فَاسْأَلُوا يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ يُؤَجِّرُ فِيهِ أَرْبَعَةَ السَّائِلِ وَ الْمُعَلِّمِ وَ الْمُسْتَمِعِ وَ الْمُحِبِّ لَهُمْ» (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ج ۱: ۲۴۴)؛ دانش گنج است و کلید آن پرسش؛ پس پرسید- خداوند شما را رحمت کند- به درستی که چهار دسته مأجورند: پرسشگر، گوینده، شنونده و دوستدار آنها.

البته ضمن بیان اهمیت سؤال پرسیدن، شرایط و آداب آن نیز بیان شده است. حضرت علی (ع) شرط صحت و مفید بودن پرسش را چنین بیان می‌فرماید: «سَلْ تَقْتَهَا وَ لَا تَسْأَلْ تَعْتَهَا فَإِنَّ الْجَاهِلَ الْمُتَعَلِّمَ شَبِيهُ بِالْعَالِمِ وَإِنَّ الْعَالِمَ الْمُتَعَسِّفَ شَبِيهُ بِالْجَاهِلِ الْمُتَعَدِّتِ» (نهج البلاغه: حکمت ۳۲۰)؛ برای فهمیدن بی‌پرس، نه برای آزار دادن؛ که نادان آموزش‌گیرنده همانند داناست و همانا دانای بی‌انصاف چون نادان بهانه‌جوست.

در حقیقت؛ ملاک قرار دادن هدفمندی در پرسش از سوی دانشجو، یکی از آیین‌های اخلاقی و آموزشی در اسلام است. افزون بر آن، به ملاک‌های دیگری همچون: سؤال

مناسب، پرسش ضروری و مفید، نیکو پرسیدن و... نیز می‌توان اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت به دست می‌آید که:

۱. جایگاه علم و دانش در فرهنگ اسلامی، جایگاهی والا و متعالی است؛ به طوری که در آیات و روایات بر این امر تأکید بسیار شده است. از یک سو بر فضیلت علم و دانش تأکید شده و از سوی دیگر، مقام عالمان و متعلمان گرامی داشته شده است.
۲. در اسلام، علم‌آموزی و دانشجویی، خود ذاتاً هدف نیست، بلکه وسیله‌ای است برای نیل به مقاصد والای الهی و انسانی.
۳. آنچه مهم به نظر می‌رسد، این است که دانستن صرف، ارزش و اعتباری ندارد؛ بلکه علم و دانش بایستی در مسیر درست خود قرار گرفته و به معیارهای الهی و انسانی متکی باشد. از همین رو، در اسلام در رابطه با موضوع دانشجویی آنچه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، پایبندی به اصول و مبانی و اخلاق علم‌آموزی است. در صورتی که دانشجو متصف و متخلق به این آداب و ویژگی‌ها باشد، می‌توان از او با عنوان دانشجویی که از فرهنگ مطلوب دانشجویی برخوردار است، یاد کرد.
۴. حسن نیت و اخلاص، نخستین و مهم‌ترین مؤلفه انجام فعل در اسلام است. در جریان کسب علم و تحصیل دانش و در طول عرصه دانشجویی نیز اولین ادب تحصیل علم، این است که در مسیر یادگیری و رشد علمی، دارای خلوص نیت باشد و در جهت اهداف والای الهی و انسانی گام بردارد.
۵. اولین وظیفه ذاتی دانشجو، تحصیل علم و دانش و اولین وظیفه او در امر تحصیل، خالص گردانیدن نیت است. بعد از این مرحله بایستی یک‌سری آداب دیگر را در این زمینه مورد توجه و دقت نظر قرار دهد؛ آدابی که رعایت آنها به کار دانشجو ارزش داده، او را در مسیر کسب علم و دانش و تعالی علمی و معنوی پیش خواهد برد.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- آشوری، داریوش (بی‌تا). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. تهران: مرکز فرهنگی آسیا.





- ایترن، دی. استنلی (۱۳۷۶). «فرهنگ به مثابه معرفت مشترک انسانی». ترجمه ضیاء تاج‌الدین. نامه فرهنگ، سال هفتم، ش ۲.
- بغدادی (شیخ مفید)، محمد بن محمد بن نعمان، الفصول المختاره، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). **نهج الفصاحه**، تهران، دنیای دانش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۶). **غرر الحکم و درر الکلم**. ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). **شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی**. قم: اسراء.
- حجتی، محمدباقر (۱۳۸۷). **آداب تعلیم و تعلّم در اسلام**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**. قم: آل‌البیت.
- حسینی‌زاده، علی (۱۳۸۰). **سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی‌نسب، داود (۱۳۷۵). **فرهنگ واژه‌ها، تعاریف و اطلاعات تعلیم و تربیت**. تبریز: احرار.
- حلی، احمد بن فهد (۱۴۰۷ ق). **عده الداعی و نجاح الساعی**. صححه و علق علیه احمد الموحدی القمی. قم: دارالکتب الاسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). **لغتنامه**. تهران: دانشگاه تهران.
- رضوان‌طلب، محمد رضا (۱۳۸۶). **آیین اخلاقی دانشجویان**. تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۸۹). **آیین زندگی (اخلاق کاربردی)**. قم: دفتر نشر معارف.
- شیخ صدوق؛ ابی جعفر محمد بن علی (ابن بابویه) (۱۴۰۳ ق/الف). **الخصال**. قم: جامعه مدرسین.
- شیخ صدوق؛ ابی جعفر محمد بن علی (ابن بابویه) (۱۴۰۳ ق/ب). **معانی الاخبار**. تصحیح علی‌اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- شیخ صدوق؛ ابی جعفر محمد بن علی (ابن بابویه) (۱۴۱۳ ق). **من لایحضره الفقیه**. قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۸). **سنن النبی (ص)**. تهران: اسلامیة.
- طوسی، نصیرالدین محمد بن محمد (۱۳۸۵). **آداب المتعلّمین**. ترجمه محسن احمدوند. قم: نهایندی.
- عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۹ ق). **منیه المرید فی ادب المفید والمستفید**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- عمید، حسن (۱۳۶۴). **فرهنگ فارسی**. تهران: امیرکبیر.
- کلانتری ارسنجانی، علی‌اکبر (۱۳۸۳). **اخلاق و آداب دانشجویی**. قم: دفتر نشر معارف.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹). **اصول کافی**. ترجمه محمدباقر کمرهای. تهران: اسوه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). **بحار الانوار**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مرتضوی، محمد (۱۳۷۵). **اصول و روشها در نظام تربیتی اسلام**. مشهد: گلنشر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). **تعلیم و تربیت در اسلام**. تهران: صدرا.
- معتزلی، ابن ابی‌الحدید (۱۴۰۴ ق). **شرح نهج البلاغه**. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.